

معلمان، طراوات بخش سرزمین من

کیلومتر راه مدرسه و خانه را با موتورسیکلتش طی می‌کرد و گزارش درس‌هایش را در شبکه، به مهمانی خواندگانش در ایران و جهان می‌برد. به نگاهی احترام‌آمیز به خانم **ملکی** می‌نگرم که در مدرسه‌ای در روستاهای شهریار با تلفن همراهش، شاگردانش را به درس‌آموزی از صاحبان مشاغل می‌برد و برای بچه‌های دبستانش روی نقشه «گوگل»، روستایشان را نشان می‌داد.

به آقای **فرزین نیا** ارادت خود را اعلام می‌کنم که هیاهوی پایتخت را به کناری نهاد و در «بسطام» شاهرود، در کنار مقبره عارفان بزرگ ایران، بچه‌های روستا را مهمان مدرسه و درس‌های خود کرد و با آن‌ها به درون ماشین‌های پیچیده عصر حاضر رفت تا شاگردان آشنا با طبیعت او، به درون رایانه، معجزه‌صنعت قرن راه بیابند و شگفتی را به دانش بدل کنند.

از دانشجوی عزیزم، **مصطفی عبدلی** یادکنم که با مدرک کارشناسی ارشد به جای تدریس در شهر، ترجیح داد که برای ۱۲ دختر و پسر هوشمند و شادمان عشایر، در «کانکس» با فانوسی سر کند و قصه‌های نه ماه تدریس و آموزش خود را هر روز روایت کند و از طریق اینترنت برای من بفرستد تا بتوانم آن را در فضای مجازی منتشر کنم. در ایام شهادت معلم اندیشه و تفکر، معلم متفکر و درد آشنا، شهید مطهری، به معلمانی افتخار می‌کنیم که بی‌نام و نشان در شهرها و روستاهای ایران بزرگ، فناوری به خدمت گرفتند و سخت‌کوشانه، فرزندان این سرزمین را در مسیر دانش و ارزش راهنما شدند.

دکتر محمد عطاران

سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور» در سال گذشته به تصویب «شورای عالی انقلاب فرهنگی» رسید. در بند هفت فصل اول این سند، معلم «مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» شناخته شده است و مگر می‌تواند جز این باشد؟!

تلاش‌های فراوانی در انتهای قرن بیستم صورت گرفت تا بتوان فناوری‌های جدید را جای‌گزین معلم کرد، ولی این تلاش‌ها به خاطر ماهیت تعلیم و تربیت که انسانی است، هرگز جامعه تحقق نپوشید. نه تنها فضای فناوری اطلاعات و ارتباطات خود را بی‌نیاز از معلم ندید، بلکه در این فضا، معلمان با هنر و دانش خویش معانی و مضامین بلند انسانی آفریدند؛ معلمانی که شوق و شغشان یکی بود.

در ایران نیز در مدارس دور و نزدیک ما، این معلمان بودند که به ابزارها معنا بخشیدند. بی‌شک ماشین بی‌روح رایانه و تخته هوشمند نمی‌توانست در تعلیم و تربیت ایران راه یابد، مگر آن که معلمان آغوش خود را به روی آن باز کنند و به آن معنا بخشند. هر جا که چنین نشد و معلمان رغبت نشان ندادند، مدارس به انبار وسایل دیجیتالی تبدیل شدند یا این وسایل تنها به کار نمایش آمدند. آن جا که معلمان ابزارهای دیجیتالی را پذیرفتند و برای آن‌ها جایگاه و مکانی در فضای کلاس و درس در نظر گرفتند، این ابزارها قدر و منزلت یافتند و روح آموزش که طراوت و حیات است، در آن‌ها دمیده شد.

جا دارد که در این ماه و در آخرین شماره نشریه در برابر معلمان عزیزی که پیشروان عرصه فناوری و ارتباطات در مدرسه شدند، سر تعظیم فرود آورم:

سر تعظیم برابر **عادل دور** فرود می‌آورم که روزی ۹۰